



بیوگرافی داکتر عبدالیحیی عزیز

من در روز گاری تیره زندگی میکنم
در روزگاری که سخن گفتن ساده ، نشانه بیخردی است
و پیشانی بی چین، نشان بی تفاوتی
آری ، آنکه می خندد خبر فاجعه را دریافت نکرده است.
برتولت برشت

داکتر عبدالیحیی مشهور به داکتر عزیز فرزند استاد عبدالفتاح در سال 1336 خورشیدی در قریه شیخان ولسوالی میربچه کوت ولایت کابل بدنیا آمد. یحیی عزیز بعد از ختم تحصیلات ابتدایی و فراغت از لیسه میربچه کوت، در سال 1355 هـ وارد فاکولته طب پوهنتون کابل گردید. هنوز در سال سوم فاکولته طب بود که کودتای ثور صورت گرفت و جامعه ما ، بطرز دگر دچار خشونت ، استبداد و بحران شد و داکتر عزیز مانند هزاران هزار انسان مبارز بخاطر مخالفت با رژیم کودتا در سال 1357 زندانی شد و بعد از یک سال و چند ماه در سال 1358 حسب تصادف از زندان رها گردید. تن و روح داکتر یحیی نه تنها داغ شکنجه های خلقی/پرچمی را در خود داشت بلکه داغ شکنجه های تنظیمی ها را نیز با زخم های روحی و جسمی تجربه کرده بود.

داکتر یحیی عزیز از همان ایام جوانی شخصیتی بود آزادی خواه و عدالت پسند، انسانی بود عیار و مبارز، دلاوری بود نترس و مردم دوست. از دوره های قبل از کودتای ثور با یاران شهید عبدالمجید کلکانی، آشنایی و ارتباط داشت. مراحل مبارزاتی و شخصیت سیاسی اش، با تأسیس سازمان آزادیبخش مردم افغانستان (ساما) در درون سازمان به پختگی میرسد و تا زمان مرگ به حیث یک کادر فعال ساما میدرخشد.

سرپای زندگی سیاسی و زندگی شخصی اش پر از افتخارات و ارزش های انسانی است. داکتر عزیز در پراتیک مبارزاتی ثابت ساخت که به تمام معنا یک انسان شریف و مبارز بود. اگر در یک دست سلاح پیکار داشت با دست دگر دست افتاده و درمانده ای میگرفت. یکی از ویژه گیهای برجسته اش این بود که در طی 35 سال اخیر هیچگاهی دست از مبارزه برنداشت و عاشقانه و مستمر به مبارزه خویش ادامه داد.

داکتر عزیز در سه مرحله مبارزاتی، خود را به حیث یک انسان آگاه و مبارز، به حیث یک روشنفکر متعهد و مسؤل تثبیت کرد. تاریخ و مردم بالای افراد نه آن گونه که خود درباره خویش می اندیشند قضاوت می کنند بلکه بروی آنچه که او انجام داده است داوری میکنند. سه مرحله زندگی مبارزاتی داکتر عزیز آنقدر پراز سخن و پر از عمل است که هر مرحله آن بطور آشکار و زلال بازتاب دهنده شخصیت اوست:

مرحله اول

دوره مقاومت و مبارزه علیه روس (1357-1367)

داکتر عزیز بعد از کودتای ثور در همان سال 1357 بزودی به زندان میرود و بی آنکه به استخبارات جلادان خلقی/پرچمی تسلیم شود، با پذیرش اعدام در درون زندان نیز، به مقاومت و عصیان ادامه میدهد و بعد از رهایی از زندان (1358) تا لحظه مرگ در خط مقدم ساما به مبارزه خویش استوار و پایدار باقی میماند. بر همه روشن است که در جدی 1358 جامعه ما به بحران عمیقتر یعنی اشغال افغانستان بوسیله ارتش سرخ مواجه میگردد. داکتر عزیز بعد از اشغال افغانستان بوسیله ارتش سوسیال امپریالیستی و اشغالگر روس، بزودی با ترک تحصیل در زیر چتر ساما به صفوف نبرد های رویاروی و مقاومت های بالفعل می پیوندد. در دوران مبارزه گرم علیه روس، از هیچگونه ایثار و تلاش بخاطر آزادی کشور و سعادت مردم دریغ نمی ورزد. در طول دوران جنگ آزادیبخش، در درون جبهه جنگ در کنار مردم و در پهلوی یاران سامایی نفس می کشد.

درین دوره، داکتر عزیز هم به حیث یک شخصیت نظامی و هم به حیث یک شخصیت سیاسی و اجتماعی تبارز میکند. در بسیج توده ای سهم میگیرد. در درون جبهات مختلف به ترویج روشنگری و مبارزه سیاسی و شبکه های اجتماعی را ایجاد می کند.

مرحله دوم

دوره مهاجرت در پاکستان (1365 - 1375)

داکتر عزیز درین دوران به انواع مبارزه و فداکاری دست برد. در حوزه کار و مبارزه بطور خستگی ناپذیر عمل کرد. محیط تبعید را برای خود به جبهه سیاسی و فضای روشنگرانه تبدیل نمود. دوشادوش یاران سامایی در کنار شهید عبدالقیوم رهبر به مبارزه پرداخت.

به حیث داکتردندان، در خدمت تداوی مهاجرین افغان قرار داشت ، خانه اش مهمانخانه دواستان سیاسی و هموطنانش بود.

این دوره نیز یکی از مراحل ماندگار و پردرخشش زندگی سیاسی و مبارزاتی وی به حساب می آید. طی این ده سال ، تلاش میکند تا سازمان و جنبش مترقی افغانستان در زیر سایه ارتجاع و ابهامات فکری گم و نابود نگردد.

در مبارزه درون سازمانی همیشه روی مبارزات درونی تأکید ورزیده و از وحدت درون سازمانی پاسداری میکرد. او همواره جانب خط وحدت و مبارزه سالم را میگرفت. به همین لحاظ در تشکیلات سازمان پیوسته به حیث یک کادر خوب و فعال ، می درخشید.

در سال های پسین که ده سال از زندگی وی را احتوا میکند در سخت ترین شرایط نیز بیشترین کار و تلاش را برای ایجاد وحدت جنبش مترقی انجام داد.

در دوره سوم و چهارم نشریه دموکراتیک ساما (ندای آزادی) به حیث شاعر، نویسنده و تحلیلگر در هیأت تحریریه جای داشت.

در کنگره دوم سازمان فعالانه اشتراک ورزید.

....

مرحله سوم

دوران مهاجرت در امریکا (1375 تا چهارده حمل 1392)

زنده یاد داکتر عزیز در غربت امریکا نیز آرام ننشست و تعهدی که با مردم افغانستان و سازمانش داشت، سعی و تلاش های انسانی و مبارزاتی خویش را بخاطر تأمین آبادی ، آزادی و عدالت اجتماعی کشور ادامه داد.

به حیث یک فعال فرهنگی شعر سرود و مقاله نوشت

در دوره پنجم نشریه دموکراتیک ساما (ندای آزادی) همکاری تخنیکی و قلمی داشت

در مجالس بزرگ سازمانی همیشه شرکت میورزید

در برپایی محافل فرهنگی و تظاهرات سیاسی فعال بود

زیستن در امریکا برای او غافل شدن از دیار خودش نبود. از امریکا به افغانستان همیشه بخاطر

فعالیت سیاسی و اجتماعی سفر مینمود. داکتر در فاصله های زمانی کوتاه بار سفر بسوی وطن می

بست و از یاران، از وضع مردم و دشواری روزمره و حيله گری سیاست های اشغالگرانه امپریالیسم

در وطنش بالمواجه خود را آگاه میساخت از همین رو می توان گفت که او شارح و تحلیلگر بادرک

کشورش بود نه اینکه از زبان این یا آن در بُعد مکانی دور دست چون امریکا خود را آگاه سازد.

در سالهای پسین مهاجرت داکتر عزیز در کنار پاسداری از سازمانش به تلاش بی امان در راه حفظ و

حراست از مجموع جنبش مترقی با تمام عزم و صداقت ، استوار و وفادار ماند.

....

مبارزی که در 1336 در کابل بدنیا آمد، بخاطر خوشبختی و آزادی مردم افغانستان بلا وقفه مبارزه کرد، آزادانه و ایثارگرانه زیست و سرانجام در چهاردهم حمل 1392 در تبعیدگاه کالیفرنیا ای امریکا سرفرازانه به جاودانگی پیوست.

روحش شاد

یادش همیشه گرامی باد

هیأت تحریریه ندای آزادی

ناشر اندیشه های ملی و دموکراتیک سازمان آزادیبخش مردم افغانستان (ساما)

پنجم اپریل 2013